

مصاحبه اختصاصی آژانس ایران خبر با آقای کریم آسایش

آژانس ایران خبر

دوشنبه چهارم شهریور ۱۳۸۷



کریم آسایش

۱- ضمن معرفی خودتان شمه ای از فعالیتهایی که درمقابل نقض حقوق بشر در ایران انجام میشود را توضیح دهید؟

محمد کریم آسایش، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تهران، فعال دانشجویی چپگرا هستم و در زمینه مسائل زنان و تا حدودی در زمینه مسائل کارگران فعالیت می نمایم. درمورد فعالیتهایی که در مقابل نقض حقوق بشر در ایران در جریان است باید گفت که طیف وسیعی را در بر می گیرد از فعالیتهای کانون مدافعان حقوق بشر، گزارشگران حقوق بشر، کانون

و کلا، تشکلهای غیر دولتی گرفته تا تشکلهای کارگری، نهادهای دانشجویی و غیره که هر یک به نوعی و در زمینه ای از حقوق بشر دفاع می کنند. از حقوق سیاسی و مدنی تا حقوق زنان و حقوق کودک و حقوق کارگران و جدا از نهادها و تشکلهای آنچه اهمیت دارد ولی از آن کمتر سخن می رود جنبشی است که درون جامعه جریان دارد در جهت دستیابی به حقوق انسانی خود. این جنبش است که سیمای جامعه را دگرگون می کند و در واقع باید گفت که وجود اقسام مختلف نهادهایی که در زمینه حقوق بشر فعالیت می کنند قائم به این جنبش است. جنبشی که هم حقوق خود را به اراده خویش می گیرد و در واقع آن حقوق را تحقق می بخشد، مثل افزایش شمار دختران دانشجو که در واقع جنبشی است که در آن دختران سعی داشته اند سهم خود را در جامعه از این طریق کسب کنند یا جنبش سبک زندگی که جوانان در آن شیوه خود برای زیستن را تحقق می بخشند. به تعبیری جامعه علیرغم میل حاکمیت، دیوارها و مرزهای آن (حاکمیت) را دور می زند و به گونه ای خودمختاری از حکومت دست می یابد (با وجود تمام فشارهایی که هست) و هم اینکه این جنبش به اعتراض خاموش دست می زند، برای مثال ما در ایلام شاهد آمار بالای خودسوزی زنان هستیم، این نوعی اعتراض خاموش زنان این جامعه علیه بی عدالتی است یا افزایش آمار طلاق، اینها هم شکلی از اعتراض خاموش است، گرچه این اعتراض خاموش ایجاد آسیب می کند اما یک صداست، یک نشانه است و بی عدالتی ها را نشان می دهد. وجه مهم تر فعالیت حقوق بشری به معنای عام آن (یعنی مطالبه حقوق انسانی) مبارزات جنبشهای اجتماعی است، جنبش کارگری (مبارزات اتوبوس رانان، مبارزات هفت تپه، لاستیک البرز و...) و جنبش دانشجویی و جنبش زنان و جنبش رفع ستم ملی در کردستان و ... وقتی می گویم مبارزات جنبشهای اجتماعی منظورم مبارزات توده ای و جنبشی است، مبارزات بدنه است و این را جدا از فعالیتهای نهادها برای مثال در جنبش دانشجویی فعالیت تشکلی مثل دفتر تحکیم وحدت می گویم. از نظر من ۲ وجه جنبش و تحرک درون جامعه و جنبشهای اجتماعی اهمیت بیشتری از وجه اول یعنی نهادهای حقوق بشری و تشکلهای غیر دولتی و امثالهم دارند. کلید تحولات در دست اینهاست ولی عمدتا رسانه ها به دلیل نگرش لیبرالی و نخبه گرایی که بر آنها حاکم است بیشتر به دنبال نهادها تا جنبشها، اصولا وقتی در رسانه ها (در اینجا منظورم رسانه های لیبرال است)

از فعالیت حقوق بشری سخن می گویند منظورشان صرفاً همین نهادهای حقوق بشری است و توجهی به جنبشها و عمق جامعه نمی کنند.

۲- نظر شما در مورد منشور کمیته صلح که در ایران تشکیل شد چیست؟ آیا شما هم از اعضا آن بودید؟ چرا؟

به نظر من برجسته کردن مساله جنگ و صلح یک اشتباه استراتژیک سیاسی است و ناشی از تحلیل نادرست از ماهیت منازعه سیاسی بین ایران و آمریکا. ضمن آنکه فارغ از این تحلیل نادرست، حرکتی نظیر کمیته ضد جنگ ناصر زرافشان یا شورای ملی صلح شیرین عبادی دچار تحلیلهای نادرست دیگری هم هستند، آنها در این منازعه مردم و جنبشهای اجتماعی را فراموش می کنند و در دوگانه ایران-آمریکا (در اینجا منظور دولتهاست) مسایل را می بینند. این مساله سبب می شود که به مساله جنگ و صلح در خلا و به صورت انتزاعی نگاه کنند و آن را فارغ از مناسبات اجتماعی- اقتصادی و مناسبات سیاسی ببینند. جنگ ادامه سیاست است در شکلی دیگر، بدون توجه به این مساله نمی توان به درستی بابای خانمانسوز جنگ مبارزه کرد و به صلحی پایدار دست یافت. جنگ حاصل مناسبات طبقاتی است، بحران های جامعه طبقاتی است که جنگ را پدید می آورد و بدون مقابله با ریشه جنگ یعنی مناسبات طبقاتی، خطر جنگ همواره وجود دارد. ضمن اینکه آیا فقط جنگ خطر است؟ آیا سازش دیکتاتوری اسلامی سرمایه داری ایران با سرمایه داری جهانی و متعارف شدن آن بر اساس نقش ورل آن در معادلات منطقه ای و جهانی بدون آنکه خصلت دیکتاتوری و ارتجاعی آن تغییری کند خطر نیست؟ آیا چنین امری بعید است؟ آمریکا و در کل نظام سرمایه داری جهانی به کرات نشان داده است که از سیاه ترین دیکتاتوری ها در صورت اطاعت از قواعد بازی نظام جهانی حمایت می کند، الان هم که به صراحت اعلام می کنند مساله دموکراسی و حقوق بشر مساله داخلی ایران است و ارتباطی به ما ندارد و مساله فقط مساله اسرائیل است (مساله هسته ای نیز تابعی از مساله اسرائیل است، اگر آن حل شود، این نیز حل میشود). صلح طلبان وطنی چه پاسخی در این مورد دارند؟ آنها تا زمان سازش قطعی نخواهند صلح صلح بگویند و بعد به فکر دموکراسی و حقوق بشر بیافتند؟ همچنین آنها از درک این مساله عاجزند که راه حل مقابله با جنگ، تقویت جنبشهای اجتماعی است و در نهایت برقراری یک حکومت مردمی در ایران. تنها این امر جلوی جنگ را میگیرد و صلحی پایدار را بدون باج دهی و امتیاز دهی و وطن فروشی به بیگانگان، فراهم می کند. کوبا یک نمونه گویا در این مورد است. آمریکا با آنکه اختلافات و مشکلات بسیار با کوبا دارد و علیرغم توطئه هایی که علیه کوبا می کند و علیرغم تحریم بی امان اقتصادی بر ضد کوبا، جرات حمله به کوبا را ندارد چون کوبا دارای حکومتی مردمی است. حاکمان کوبا در صورت حمله با قدرت از مردم و کشورشان دفاع می کنند، مردم نیز از حکومت و کشورشان دفاع می کنند. در مقابل نیز نمونه های وارونه وجود دارد. همین عراق، به سادگی و بدون مقاومت تسلیم شد چون حکومت مردمی نداشت یا افغانستان یا ایران رضا شاهی که ارتش به اصطلاح مقتدرش که اینهمه برایش تبلیغ می شد به محض ورود متفقین، از هم پاشید و کوچکترین مقاومتی نکرد. الان هم در صورت حمله به ایران، حاکمان میگریزند، ارتش و سپاه فرو میپاشد و مردم نیز از حکومت در مقابل حمله دفاع نمی کنند چون حکومت، حکومت غیر مردمی است. بنابراین این شوراهای و کمیته های صلح راه به جایی نمی برد. با توجه به نظری که راجع به شورای صلح بیان کردم طبیعی است که در آن عضویت ندارم.

۳- بنظرشما در کشوری که حقوق بشر در آن به نازل ترین جایگاه خود رسیده، کمیته ای به نام صلح میتواند مردم را به صلح طلبی بخواند، و با شعار تنها صلح جای خالی این همه بی عدالتی ها و بدبختی را پر میکند؟

فکر می کنم که در پاسخ سوال قبل، پاسخ به این سوال نهفته است. با این حال هم اندیشی های این جمع گسترده از فعالان سیاسی و مدنی و فرهنگی ممکن است نه در این قالب، ولی به صورتی دیگر کمکی به مساله دموکراسی و حقوق بشر بنماید.

۴- چشم انداز کمیته های حقوق بشری در ایران به چه صورت میباشد در واقع ارزیابی شما از کمیته ها چیست؟

من به نوعی در پاسخ به سوال اول به این پرسش نیز پرداختم. از نظر من آنچه اصالت دارد جنبشهای اجتماعی و عمق جامعه است و اینها تعیین کننده اند نه کمیته های حقوق بشری. ضمن آنکه این نهادهای حقوق بشری همراه با فعالیتهای مثبت و خدماتی که انجام می دهند میتوانند یک آفت نیز برای تحرکات اجتماعی باشند و آن ان.جی.او ایزه شدن جنبشهای اجتماعی است. اصولا ان.جی.او ایزه کردن جنبشهای اجتماعی طرح و پروژه ای لیبرالی است که از طریق آن جنبشهای اجتماعی را خرد و مبارزات آن را پراکنده کنند، به جای سیاست طبقاتی، سیاست هویت و سیاست فرهنگی را به جنبشهای اجتماعی قالب و غالب کنند، به جای منازعه و تضاد، جنبشها را به تعامل و همکاری با دولتها بکشانند، مبارزات جنبشها را تبدیل به پروژه های انتفاعی و در حالت مثبت ترش، غیرانتفاعی کنند و در نهایت فعالیت جنبشها را از مبارزه اجتماعی به همیاری و خیریه تقلیل دهند. جنبشها را تبدیل به نهادهایی کنند که یک سرشان به دولت و سر دیگرشان به سازمانهای بین المللی نظیر سازمان ملل و سازمانهای تابعه وصل است و اینها همه یعنی عقیم سازی و سترون کردن جنبشهای اجتماعی و این تازه بهترین حالتش است، در حالتهای بدتر آن ما شاهد تبدیل شدن جنبشهای اجتماعی به ابزار سیاستهای مخملی و رنگی امپریالیستی هستیم. بنابراین باید به اینها توجه داشت. ما اکنون نمونه های آن را در ایران شاهدیم. تلاشهای ناسیونالیسم لیبرال کردی در کردستان برای ان.جی.او ایزه کردن جنبش انقلابی کردستان یا تبدیل جنبش اعتراضی زنان به استفتاء از فقها و التماس به نهادهای حکومتی نظیر مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان (منظورم در اینجا کمپین یک میلیون امضاء است).

۵- ما در ایران شاهد بسیاری از نقض حقوق بشر چه بصورت علنی و چه غیر علنی بوده و هستیم در رابطه با تبعیض ها و نابرابریهای جنسی و جنسیتی مذهبی و قومی و.... در این رابطه چه باید کرد؟

همانطور که گفتیم راه آن تقویت مبارزه جنبشهای اجتماعی و اتکا به عمق جامعه است. نه مبارزه برای حقوق بشر، مبارزه نخبگان است نه مسائل حقوق بشر، مسائل نخبگان است. بگذارید با مثالی منظور خود از این نکته را بیان کنم. در یکی، دو ماه گذشته از سوی کارفرما به دو دختر کارگر به نامهای گلاویژ سلطان نیا (۹ ساله) و مهتاب احمد زاده (۱۵ ساله) تعرض صورت گرفت و این دو دختر کارگر پس از آن اقدام به خودسوزی کردند و جان باختند. اما اخبار این فجایع انتشار زیادی نداشت و در مورد آن واکنشی از سوی کمیته های حقوق بشری و نمایان صلح طلب حقوق بشر صورت نگرفت. نقض حقوق بشر در عمق جامعه جریان دارد، از ختنه دختران دربندر گنگ و کردستان گرفته تا آزار و استثمار کارگران و بی حقوقی آنها. از این رو مبارزه برای تحقق حقوق بشر باید مسائل عمق جامعه را دربرگیرد و به اتکا به مبارزه جامعه باشد.

۶- اصلاحچنین کمیته های بشردوستانه در ایران میتواند شکل بگیرند و فعالیت علنی داشته باشند؟

کمیته های حقوق بشر وجودشان و فعالیت علنی شان ضرورت دارد اما وقتی می توانند موثر و پایدار باشند که مردمی باشند نه نخبه گرایانه به جنبشهای اجتماعی تکیه کنند و نه به سازمانهای بین المللی یا دولت در غیر این صورت یا پایدار نمی مانند یا موثر.

۷- آینده رو چگونه ترسیم میکنید؟ وظیفه مابعدنوان يك فعال حقوق بشری چیست؟

آینده بستگی به رشد جنبشهای اجتماعی و پیوستگی آنها دارد. در این میان نقش جنبش کارگری به عنوان موثرترین جنبش اجتماعی اهمیت ویژه ای دارد. دموکراسی و حقوق بشرواقعی درگرو به میدان آمدن طبقه کارگر و پیوند سایر جنبشهای اجتماعی با آن و سویه طبقاتی داشتن این جنبشهاست. همانطور که چند بار در پاسخ به سوالات قبلی گفتم وظیفه فعالان حقوق بشری رجوع و تکیه به جامعه است. نگاه و عملکرد جنبشی داشتن، پرهیز از نخبه گرایی و پرهیز از چشم امید بستن به دولت و سازمانهای بین المللی. اینها وظیفه فعالان واقعی حقوق بشر است نه منادیان قلبی آن. آقای کریم آسایش بسیار از شما متشکریم که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید و به سئوالات ما پاسخ دادید.

به اطلاع بینندگان آژانس ایران خبر میرسانیم که مصاحبه اختصاصی دیگری با آقای کریم آسایش در رابطه با مسائل اخص دانشجویی نموده ایم که در اسرع وقت شمارا در جریان این مصاحبه قرار خواهیم داد.

خبرگزاری آژانس ایران خبر

۱۳۹۷/۶/۴